

اخذ تأمین از متهمین و توقیف احتیاطی

در سبب پنجم از فصل پنجم آئین دادرسی کیفری تحت عنوان اقداماتیکه برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم بعمل میآید مفصلا موارد اخذ تأمین ذکر و بیان شده است و شک نیست هر کس تحت تعقیب کیفری قرار میگیرد باید تأمین بدهد که در صورت توجه اتهام جلب وی بمحاکم صالحه از نظر ضابطین دادگستری بلاشکال باشد ولی گاهی در عمل ملاحظه میشود که قرار تأمینهای صادره متناسب با اتهام متهمین نمیباشد و بی جهت موجبات مزاحمت افراد رافراهم میسازد.

در ماده ۱۲۹ آئین دادرسی کیفری که مقرر میدارد:

« برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم بازپرس میتواند یکی از قرارهای تأمین ذیل را صادر نماید.

۱ - التزام خروج از حوزه قضائی با قول شرف.

۲ - التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تاخاتمه محاکمه و اجرای حکم

۳ - اخذ کفیل - در صورتیکه متهم تقاضا نماید بجای کفیل وجه نقد یا مال

منقول بدهد بازپرس مکلف بقبول آنست.

۴ - اخذ وثیقه (وثیقه اعم از وجه نقد و مال منقول و غیر منقول).

۵ - توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۰ مکرر.

معلوم میشود که دامنه اختیار بازپرسان در اخذ تأمین نامحدود نمیباشد

زیرا در ماده ۱۳۰ آئین دادرسی کیفری اینموضوع پیشبینی و در نظر گرفته شده

که « تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلائل و اسباب اتهام و احتمال فرار

متهم و اسعواء اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او

متناسب باشد » و نیز بموجب تبصره ذیل همان ماده مجازات انتظامی از درجه ۴

ببالا برای بازپرسیکه تأمین نامتناسب اخذ مینماید پیش بینی نموده است.

البته مقننین ضمن اینکه برای اخذ تأمین از درجه خفیف تا مرحله شدید

که منجر بتوقیف متهم میگردد همه جهات را مورد توجه قرار داده و تجویز نموده اند

که بهنگام ضرورت از شدت عمل فرو گذار نگردد معذالک در مرحله دیگر رعایت احترام و شئون افراد را فرض و واجب شمرده و بازپرس متخلفی را که اقدام باخذ تأمین نامتناسب بنماید در خور تعقیب و مجازات انتظامی دانسته اند.

از سه مورد اول قرار تأمین مندرج در ماده ۱۲۹ مذکور که صرفنظر شود شقوق ۴ و ۵ آن از جهاتیست که غالباً منجر بتوقیف متهمین گردیده و چه بسا کسانی بر اثر نداشتن وثیقه و یا با صدور قرار توقیف موقت مدتها بیگناه بازداشت گردند و بعداً قرار منع تعقیب یارای برائت آنان از مراجع صلاحیت دار یا محاکم مربوطه صادر گردد بدیهی است صدور قرار موقوفی تعقیب یا رأی برائت به تنهایی آبرو و حیثیت از دست رفته متهم را جبران نمی نماید.

نگارنده در مورد گرفتن کفیل بحثی نمی نماید و معتقد است در مواقع مقتضی اخذ کفیل معتبر تأمین متناسبی میباشد و نسبت باخذ وثیقه در خاتمه مقاله باجمال توضیح داده میشود و در اینجا بررسی توقیفهای احتیاطی می پردازد.

معمولاً عده ای از بازپرسان محترم باستناد ماده ۱۳ مکرر آئین دادرسی کیفری که عنوان شده است « توقیف متهم در موارد زیر جایز است :

- ۱ - در جنایات مطلقاً.
 - ۲ - در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد بوده کفیل و یا وثیقه ندهد.
 - ۳ - در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلائل جرم شده و یا الخ... اقدام بتوقیف متهمین را باستناد یکی از شقوق سه گانه بخصوص موارد اول و سوم بلاشکال دانسته و بدون التفات بروح و مفاد ماده ۱۳ آئین دادرسی کیفری مبادرت باین امر میورزند.
- ممکن است جمله توقیف متهم در موارد زیر جایز است تعبیر گردد که بازپرس در موارد ذکر شده مطلقاً آزادی عمل دارد در صورتیکه چنین استنباطی صحیح نمی باشد و ذکر کلمه جایز بمنزله مخیر بودن است و بهیچوجه با الزام و اجبار ملازمه ندارد و بطور کلی توقیف احتیاطی که شدیدترین قرار تأمین میباشد برای هر جرمی باید با رعایت اوضاع و احوال زیر باشد.

- ۱ - اهمیت جرم و شدت مجازات مورد توجه قرار گیرد.
- ۲ - کیفیت دلائل بررسی شود و چنانچه اتهامی دارای مجازات شدید باشد ولی دلائل و مدارک کافی در دست نباشد بهیچوجه توقیف متهم جایز نیست مضافاً

باینکه بموجب ماده ۴ و آئین دادرسی کیفری « مستنطق باید با کمال بی غرضی تحقیقات را نموده در کشف احوال و اوضاعیکه بر نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد » و تخلف از این امر بر طبق تبصره ذیل ماده ۵ و همان قانون مستلزم محکومیت انتظامی از درجه ۳ ببالا است.

۳ - احتمال فرار متهم و امحاء اثرات جرم در نظر گرفته شود.

۴ - سابقه متهم معرف اعمال گذشته او میباشد و فی المثل فردیکه با مانت و صداقت اشتهار دارد نمیتوان بصرف داشتن اتهام ولو حائز اهمیت هم باشد اقدام بتوقیف وی نمود و بالعکس در صورت توجه اتهام نسبت بفردی که سوء سابقه دارد اعمال این امر ضروری بنظر میرسد.

۵ - چگونگی مزاج و سن و حیثیت متهم برای اخذ تأمین ضابطه ایست که باید دقیقاً مورد امعان نظر قرار گیرد.

قطعاً خوانندگان محترم استحضار دارند سابق بر این کسانیکه در دیوان کیفر تحت تعقیب قرار میگرفتند باستناد ماده ۱۱ قانون مصوب ۵ آذر ماه ۱۳۰۸ هر گاه قبلاً توقیف نشده بودند با سر محکمه اعم از اینکه اتهام آنها جنحه یا جنایت بوده باشد بازداشت میگرددند و این قرار هم قابل تمیز نبود.

البته این شدت عمل باعث میگردد که هر متهمی اعم از گناهکار یا بیگناه بصرف رفتن بمحکمه تحت توقیف درآید و بانتظار تعیین سرنوشت در بازداشتگاه روز شماری نماید، ولی خوشبختانه قانون مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۴ این نقیصه را برطرف ساخت و توقیف متهم را در موقع جلب بمحاکمه الزام آور ندانست.

در خاتمه بعضی اوقات دیده شده برای حفظ ظاهر بجای توقیف احتیاطی قرار وجه الضمانهای کلانی صادر میگردد که متهم با عدم توانائی در سپردن وجه نقد یا وثیقه ملکی نتیجتاً توقیف میشود و متحمل تمام عواقب نامطلوب ذکر شده میگردد مسلماً این امر وجهه قانونی نداشته و بعبارت دیگر نقض غرض است لازم بتذکر نیست که نگارنده قصد ندارد بناحق از گناهکاران دفاع نماید لکن چون اصل برائت باید در هر مورد مراعات گردد و با اخذ تأمین متناسب محکومین پس از قطعی شدن حکم بمجازات خواهند رسید و از اجتماع حقی تضییع نخواهد شد اخلاقاً و قانوناً ایجاب مینماید که مراجع تحقیق و تعقیب باین مسائل بادیده موشکافی نگریسته و پس از تجزیه و تحلیل قضایا اقدامات لازم را معمول دارند.